

نظریه‌های جدید در
مطالعات ادبیات نمایشی و تئاتر
(رویکردی بینارشته‌ای)

www.ketab.ir

دکتر صادق رشیدی

عضو هیات علمی دانشگاه فرهنگیان

سروش
تهران | ۱۴۰۰
شماره ترتیب انتشار: ۱۸۶۷

سرشناسه: رشیدی، صادق، ۱۳۵۹ -	
عنوان و نام پدیدآور: نظریه‌های جدید در مطالعات ادبیات نمایشی و تئاتر (رویکردی بینارشته‌ای) نگارش صادق رشیدی	
مشخصات نشر: تهران: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش، ۱۴۰۰.	
مشخصات ظاهری: ۳۵۴ ص: جدول.	
شابک: ۸-۱۸۴۱-۱۲-۹۶۴-۹۷۸-۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال	
وضعیت فهرست نویسی: فیپا	
موضوع: نمایش -- تاریخ و نقد موضوع: Theater -- History and criticism	
موضوع: نمایشنامه -- تاریخ و نقد موضوع: Drama -- History and criticism	
شناسه افزوده: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران. انتشارات سروش	
رده‌بندی کنگره: PNY۲۰۳۷ رده‌بندی دیویی: ۷۹۲/۰۹	
شماره کتابشناسی ملی: ۸۴۷۴۹۳۴ اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

www.ketab.ir

||| سروش

انتشارات صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران

نظریه‌های جدید در مطالعات ادبیات نمایشی و تئاتر | رویکردی بینارشته‌ای
 نویسنده: دکتر صادق رشیدی (عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان) | ویراستار: محمدحسن شاهنگی
 صفحه آرا: فاطمه درزی | طراح جلد: محمد غفاری |
 چاپ اول: ۱۴۰۰ | قیمت: ۱,۰۰۰,۰۰۰ ریال | شابک: ۸-۱۸۴۱-۱۲-۹۶۴-۹۷۸
 این کتاب در دوست نسخه در چاپخانه انتشارات سروش لیتوگرافی، چاپ و صحافی شد. |
 تهران، خیابان استاد شهید مطهری، تقاطع خیابان شهید دکتر مفتاح، ساختمان سروش |
 مرکز پخش: ۸۸۳۱۰۶۱۰-۶۶۴۹۳۶۲۲ سامانه پیامکی: ۳۰۰۵۳۵۶ |
 همه حقوق محفوظ است. | www.soroushpublish.com

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف	۱۱
۱. ما و ماجرای نظریه	۱۱
۲. نظریه های انتزاعی و کاربردی	۱۴
فصل اول: منطق و فلسفه ادبیات نمایشی و تئاتر	۱۷
۱-۱. منطق دراماتیک	۱۸
۲-۱. ادبیات نمایشی و تئاتر؛ محصول اومانيسم یونانی	۲۶
۳-۱. اصول چندوجهی اومانيسم	۳۴
فصل دوم: مبانی گفتمان نقد ادبیات نمایشی	۳۷
۱-۲. نظریه پیشانقد	۳۸
۲-۲. نظریه نقد	۳۹
۳-۲. منتقد ادبیات نمایشی	۴۵
۴-۲. ایدئولوژی نقد	۴۸
۵-۲. نقد ادبی، نقد آکادمیک و نقد فرهنگی	۵۲
فصل سوم: نظریه ساختارگرایی	۵۷
۱-۳. زبان، نظام و ساختار	۵۸
۲-۳. ویژگی های بنیادی فلسفه ساختارگرایی	۶۶
۳-۳. نظریه روایت شناسی	۶۶
۱-۳-۳. محدودیت های نظریه روایت شناسی	۶۹
۲-۳-۳. نظریه روایت شناسی ساختارگرا	۷۴

- ۳-۲-۱. نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ..... ۷۶
- ۳-۲-۲. نظریه مربع معناشناسی آلژیرداس ژولین گرمس..... ۸۰
- ۳-۲-۱. ساختار تقابلی در نمایشنامه گوریل پشمالو..... ۸۳
- ۳-۲-۳. نظریه الگوی کنشگران آلژیرداس ژولین گرمس..... ۸۵
- ۳-۲-۴. نظریه وجوه روایی: ژپ لیت ولت..... ۸۹
- ۳-۳-۳. نظریه پدیدارشناسی زمان روایت: پل ریکور..... ۹۹
- ۳-۳-۱. پیش‌فرض‌ها..... ۹۹
- ۳-۳-۲. هر آنچه اتفاق می‌افتد، در زمان اتفاق می‌افتد..... ۱۰۲
- ۴-۳. ساختارهای جدید در ادبیات نمایشی: سم اسمایلی..... ۱۰۸
- ۳-۴-۱. ساختار داستان در نمایشنامه..... ۱۰۸
- ۳-۴-۲. فرم‌های تقلیدی، تعلیمی و تخیلی..... ۱۱۰
- ۳-۴-۳. حرکت‌های سازمان‌دهنده افقی و عمودی..... ۱۱۳
- ۳-۴-۴. فرم‌های خطی و تنظیم‌کننده..... ۱۱۵
- فصل چهارم: نظریه نشانه‌شناسی**..... ۱۲۱
- ۴-۱. دانش نشانه‌شناسی..... ۱۲۳
- ۴-۲. از جان لاک تا چالرز سندرس پیرس..... ۱۲۶
- ۴-۲-۱. نظریه نشانه‌ها..... ۱۲۹
- ۴-۲-۲. نظریه مثلث معنایی..... ۱۳۱
- ۴-۲-۳. پسانشانه و تحول معنایی آیکون، نماد و نمایه..... ۱۳۳
- ۴-۲-۱. آیکون، فراآیکون و فروآیکون..... ۱۳۵
- ۴-۲-۴. معنای تفسیری نزد پیرس..... ۱۳۷
- ۴-۳. نظریه چارلز ویلیام موریس..... ۱۳۹
- ۴-۴. نظریه تمهیدات زبانی لویی یلمسلف..... ۱۳۹
- ۴-۵. نظریه نقش نشانه‌ای امبرتو اکو..... ۱۴۱

فصل پنجم: نظریه بینامتنیت و ابرمتنیت: باختین، کریستوا، ژنت و بارت. ۱۴۵

- ۱-۵. بینامتنیت و کارناوال ۱۵۲
- ۲-۵. ابرمتنیت نزد ژرار ژنت ۱۵۳
- ۳-۵. اقتباس یا بینامتنیت؟ ۱۵۶
- ۴-۵. بینامتنیت و بیناگفتمانی ۱۵۷
- ۵-۵. نقد، متن و بینامتن نزد رولان بارت ۱۵۸

- فصل ششم: نظریه پسامدرنیسم ۱۷۳
- ۱-۶. نظریه روایت شناسی پسامدرن؟ ۱۷۸
- ۲-۶. قناتر و ادبیات نمایشی پسامدرن ۱۸۲

- فصل هفتم: نظریه پسا ساختارگرایی ۱۸۷
- ۱-۷. از هایدگر تا دریدا ۱۸۹
- ۲-۷. دریدا، آرتو و متافیزیک غرب ۱۹۱
- ۱-۲-۷. چرا پسا ساختارگرایی؟ ۱۹۱
- ۲-۲-۷. آرتوی دریدا ۱۹۳

- فصل هشتم: نظریه پسااستعمارگرایی ۱۹۹
- ۱-۸. استعمار و امپریالیسم ۲۰۰
- ۲-۸. مطالعات پسااستعمارگرایی ۲۰۳
- ۳-۸. نظریه شرق شناسی ۲۰۸
- ۴-۸. ادبیات پسااستعماری ۲۰۹
- ۵-۸. مفاهیم کلیدی نظریه پسااستعمارگرایی ۲۱۲
- ۱-۵-۸. زبان و دورگه بودگی ۲۱۲
- ۲-۵-۸. ذات باوری راهبردی ۲۱۴
- ۳-۵-۸. فرو دست ۲۱۴
- ۴-۵-۸. مکان و آوارگی (جابه جاشدگی) ۲۱۵
- ۵-۵-۸. خوانش چندآوایی (کنترپوانتال) ۲۱۷

مقدمه مؤلف

۱. ما و ماجرای نظریه

فعالیت‌های نظری و عملی تفاوت‌های روشن و گاه عمیقی با هم دارند؛ هر کدام دارای اهداف و زمینه‌های اجتماعی و فکری خاص خود و البته دارای هویت‌های زبانی یا مادی متفاوت هستند. نظریه یک ساختار زبانی است که صورتی از تجربه انتزاع شده است. با این وجود تئاتر و ادبیات نمایشی و نظریه را نمی‌توان مستقل از یکدیگر بررسی کرد، زیرا جگونگی درک و استفاده از مفهوم مدرن ادبیات و هنر ارتباط زیادی با روش‌های نظریه‌پردازی هنر و ادبیات دارند. ادبیات نمایشی و تئاتر اساساً فعالیت‌هایی هستند که توسط نظریه فهمیده می‌شوند. تحلیل‌های نظری در مورد ادبیات نمایشی صرفاً توصیف اصول کلی این نوع فعالیت نیست، بلکه از گفتمان‌های وابسته دیگر، مانند فلسفه یا نظریه‌های اجتماعی و ادبی، استفاده می‌کند و در این بین جهت‌گیری‌هایش نیز بعضاً متأثر از نظریه‌ها و پارادایم‌های مسلط دوران خودش است. چنان‌که به طور مثال ناتورالیسم، متأثر از پارادایم پوزیتیویسم بوده است.

نظریه پیوسته حاضر است و حضور دارد و به دشواری می‌توان از تاریخ انقضاء و یا به پایان رسیدن یک نظریه صحبت کرد. زیرا در سنت تکوینی نظریه‌های مرتبط با ادبیات و تئاتر، زنجیره‌هایی از اندیشه‌ها و ایده‌ها و تجربیاتی به هم گره خورده‌اند که درک آن‌ها و نیز حیات آن‌ها به طور دائم وابسته به نظریه‌ها و اندیشه‌های قبلی است. حتی اگر صرفاً نگاهی تاریخی به ماجرای نظریه داشته باشیم شما هرگز نمی‌توانید در فهم پست مدرن‌ترین اندیشه‌های فلسفی، ارسطو و

حتی فیلسوفان پیش از ارسطو نادیده بگیرد و یا خط بطلانی روی آن‌ها بکشید. در واقع اگر به طرزی عوامانه شما شاهد واکنش‌هایی نسبت به نظریه‌های قبلی یا کلاسیک هستید که باز هم به طرزی عوامانه و گاه از روی بی‌اطلاعی آن‌ها را مطرود اعلام می‌کنند، ناشی از این است که اساساً گاهی اوقات درک درستی از ارتباط آن‌ها با تئاتر و ادبیات نمایشی وجود ندارد و برخی از اسامی و اصطلاحات به دلیل اینکه مدام در قلمرو صرفاً واژگانی تکرار می‌شوند منجر به نوعی دل‌زدگی و یا بی‌اعتبار شدن ذهنی نظریه‌ها و نظریه‌پردازان گذشته می‌شوند. طبعاً اگر قرار بود تاریخ انقضای مشخصی برای نظریه‌های ناظر بر ادبیات نمایشی و تئاتر تعیین شود، امروز هیچ‌یک از ما شاهد تنوع و تعدد و تحول نظریه‌ها نبودیم. این واکنش‌های عوامانه متأسفانه معطوف به برخی از فضاها و محیط‌های اجتماعی و فرهنگی و بعضاً فضاها و دانشگاهی است که پیش از آنکه درک درستی از بنیان‌های نظری کلاسیک به دست دهند، به سراغ آخرین نظریه‌های مثلاً معاصر می‌روند و جالب است که پس از مدتی دوباره نسبت به همین نظریه‌های معاصر با مواضع و واکنش‌های عجیب و غریب مواجه می‌شویم و یا در مقابل کسانی هم هستند که اساساً اعتقادی به نظریه ندارند. شاید بتوان گفت، گفتمان مد و البته مصرف در حوزه‌های علمی نیز گریبان جامعه دانشگاهی و علمی ما را گرفته است. اگر شما مکرراً عناوینی مانند ساختارگرایی و فرمالیسم و پساساختارگرایی و غیره مواجه می‌شوید و سپس به این نتیجه می‌رسید که هیچ نقش مهمی در زندگی علمی و یا ادبی‌تان ایفا نمی‌کنند و یا حرف تازه‌ای از درون آن‌ها زاییده نمی‌شود، بدانید که این مسئله، ناشی از چند عامل مهم است:

نخست، درک درستی از فلسفه این نظریه‌ها توسط برخی از مروجان آن‌ها وجود ندارد. یعنی درک چرایی و چیستی و نقش این نظریه‌ها. به‌طور مثال کسانی که در عناوین مقاله‌های خود از واسازی به عنوان یک روش یاد می‌کنند، نشان می‌دهند که درک درستی از این مفهوم ندارند و نمی‌دانند که واسازی هرگز روش و یا کارکرد روش شناختی ندارد. این گرفتاری شاید ناشی از ترجمه‌های نادرست هم باشد اما یکی از دلایل مهم این برداشت‌های نادرست این است که در فضاها و محیط‌های مختلف، اعم از کلاس‌های درس تا همایش‌ها و محافل علمی ما با پرتاب بی‌درنگ و نیندیشیده انبوهی از واژه‌ها و مفاهیم و اصطلاحاتی مواجه می‌شویم که هر کدامشان از یک سنت فکری و علمی برخاسته‌اند. این در حقیقت همان اغتشاش نظری و جریان لفاظی است که می‌توان آن را بخشی از فعالیت‌های نظری و تئوری بازی‌هایی تلقی کرد که برای مرعوب کردن مخاطب رواج بسیاری دارد.